

بسیار بدیدارش می‌نماید و هیاهوی بسیار می‌شود. گویی این انسان از یکی دیگر از کره‌های آسمانی به زمین آمده است. لباس عجیب و حیرت‌انگیز گاندی که یکی از جنبه‌های «نمایشی» زندگی اوست به شدت سبب فشرده‌گی جمعیت می‌شود. گاندی با این لباس ساده، نیمه برهنه و نا آشنا به راستی مردم هند را به نمایش می‌گذارد. شلوار لنگ مانندش حکایت از فرهنگ و تمدنی دیگر دارد، پاهای استخوانی و برهنه‌اش نماینده فقر مردم هند و دم‌پایی‌های چوبینش یادآور پابرهنگان شبه قاره است. افزون بر این گاندی به همه می‌فهماند که او نماینده یا نمودار فقر و حشتناک مردم هند است و آنچه او می‌گوید همان است که یک ملت می‌گوید. وی با چنین تن پوشی مردم هند را نیز به مصرف پارچه‌های وطنی، ساده پوشی و سادگی در زندگی فرا می‌خواند.

گاندی در مدت بیش از سه هفته که در انگلستان به سر می‌برد افکار عمومی مردم این کشور را به سود خواست‌های انسانی و قانونی ملت هند تغییر می‌دهد. با «برناردشا» نویسنده شوخ طبع انگلیسی دیدار می‌کند. زمانی که از این نویسنده می‌پرسند دیدار با گاندی چه اثری بر رویش گذاشته می‌گوید همان اثری که عظمت کوه‌های هیمالیا بر انسان می‌گذارد. بی آن که فیلم‌های «چارلی چاپلین» را دیده باشد با او به گفتگو می‌نشیند. با همان تن پوش دهقانی خود به دیدار شاه انگلیس «جورج پنجم» و ملکه انگلستان می‌رود. وقتی از او می‌پرسند برای دیدار شاه و ملکه بهتر نبود لباس بیشتری می‌پوشیدید پاسخ می‌دهد لباس شاه برای هردو نفر ما کافی بود. اما چرچیل این خادم امپراتوری - افتخار دیدار و گفتگو با گاندی را از دست می‌دهد و حاضر نمی‌شود رهبر هند را ببیند. در بازگشت از انگلستان در سوئیس به دیدار نویسنده‌ای که یکی از پرآوازه‌ترین نویسندگان سرگذشت اوست می‌رود. در رم پایتخت ایتالیا میل دارد با «پاپ» دیدار کند. پاپ که خود را

«تشریفانی تر» از پادشاه انگلستان می داند به دلیل تن پوش نیمه برهنه و دم پایی های گاندی حاضر به پذیرفتن او نمی شود. گویی اگر «مسیح» هم با لباس ساده اش درخواست دیدار از پاپ می کرد بزرگان واتیکان دست رد بر سینه اش می گذاشتند در عوض گاندی با «موسولینی» دیدار می کند و بعد ها می گوید که «شیه قصاب بود.»

تفرقه بیانداز و حکومت کن!

با اینکه گفتگو های میز گرد در لندن به شکست می انجامند اما زمانی که گاندی به هند باز می گردد مردم از او به مانند «قهرمان ملی» استقبال می کنند. در این زمان امپراتوری انگلستان گاندی را خطرناک ترین دشمن خود می داند. انگلستان در نظر دارد در هند مشت آهنین خود را نشان بدهد و با خشونت هرچه تمام تر به سرکوبی مبارزان پردازد. در آغاز سال ۱۹۳۲ گاندی بدون دلیل بازداشت و بدون محاکمه زندانی می شود. کنگره هند غیر قانونی اعلام می شود. تمام رهبران آن به زندان می افتند. در سراسر هند نافرمانی از قانون و سرپیچی از دستورهای زمامداران گسترش می یابد. در دوماه اول همین سال بیش از ۳۲،۰۰۰ تن از مبارزان هند محکوم و به زندان فرستاده می شوند. پلیس با خشونت بیش از اندازه رفتار می کند. اعتراض ها، راه پیمایی ها و شورش ها با قدرت تمام سرکوب می شوند. انگلستان برای به زانو درآوردن هند به سلاح پرآوازه خود دست می برد: «تفرقه بیانداز و حکومت کن» براساس نقشه ای که دولت انگلستان برای حکومت تازه در هند در نظر دارد هند باید براساس مذهب و نژاد تجزیه شود. بنابراین برنامه در کشور باید بخش هندوها، بخش مسلمانان، بخش سیک ها، بخش اروپائیان و هم چنین «بخش نجس ها» پدید آید. هر یک از این بخش ها با استان ها حکومت جداگانه ای خواهد داشت. هدف نه تنها تجزیه هند و پاره پاره

کردن آن است بلکه براساس این نقشه مبارزان هند پراکنده و ناتوان خواهند شد و سرکوبی هریک از آنها آسان خواهد بود.

گانندی پس از آگاهی از نقش موزبانه و هند برپادده انگلیسی ها به سختی آشفته می شود. با تمام نیرو و توانش دست به مبارزه می زند. وی اعلام می کند یا باید جدایی نجس ها از ملت هند از سوی مردم و به ویژه نجس ها محکوم شود یا دست به «روزه مرگ» خواهد زد. گانندی روباه صفتی انگلیسی ها را با زیرکی و هوشمندی پاسخ می دهد. هدف از روزه مرگ نه مبارزه با هدف انگلیسی ها بلکه ضربه زدن به وجدان ملت هند است. گانندی به ملت هند یادآور می شود که نجس ها «فرزندان خدا» هستند و به ویژه می گوید دولت انگلستان تمام ملت هند را «نجس» می داند. وی از مردم هند می خواهد تا یک پارچگی ملی را پاسداری کنند و هرگز در دام تجزیه خواهی و جدایی افکنی ها نیافتند.

تیری که از کمان «قهرمان ملی هند» و «روح بزرگ» پرتاب می شود به قلب مبارزان هند می نشیند. خون غیرت هندیان به جوش می آید و دستور رهبر زندانی و ستم دیده خود را می پذیرند. رهبران سیاسی هند به ویژه رهبران مسلمانان و بزرگان نجس ها از گانندی هواداری می کنند. درهای نیایش گاه ها و معبد های مقدس هند بر روی نجس ها گشوده می شوند. بسیاری از هندیان، نجس ها را به عنوان یک انسان و یک هم میهن می پذیرند. گانندی هم چنان از زندان به مبارزه های خود ادامه می دهد و بسیاری از مردم هند که بیدار شده اند و به ویژه در جریان «مبارزه نمک» ترشان ریخته است در راه رسیدن به استقلال به تلاش می پردازند. گانندی در زندان به سختی بیمار می شود. دولت از ترس مردنش او را ابتدا به بیمارستان می فرستد و سپس آزادش می کند. در سال بعد بار دیگر به سفر در هند می پردازد. از خواست های نجس ها دفاع می کند، با دهقانان هند گفتگو می کند و می کوشد تا مردم

از تعصب های سنتی دست بردارند. راه پیمایی بزرگی را رهبری می کند و به یک سال زندان محکوم می شود. در سال ۱۹۳۴ از کوشش های سیاسی گاندی به میزان بسیار چشمگیری کاسته شود. دریای توفانی مبارزه های مردم هند رفته رفته آرام می شود. در پاییز همین سال گاندی از عضویت کنگره هند کناره گیری می کند و بیشتر به آموزش مردم هند در زمینه های مذهبی و اخلاقی می پردازد.

«مسیح» و «ابلیس» قرن ما

در سال ۱۹۳۷ دولت بریتانیا اعلام می کند که به هند «خودمختاری» خواهد داد و قانون اساسی تازه ای در هند اجرا خواهد شد. زمامداران انگلیسی می گویند خودمختاری هند تدریجی یا چند مرحله ای خواهد بود. اما هدف راستین «شیربریتانیا» این بار نیز ایجاد چند دستگی و شکاف میان رهبران هندی در کنگره ملی هند است. نهر و طرح تازه انگلستان را «فرمان بردگی» می نامد. اما برخی از رهبران سیاسی هند به خودمختاری تدریجی روی خوش نشان می دهند. رهبران تند روی کنگره استقلال کامل می خواهند و در نتیجه دو دستگی و شکاف نمایان می شود. در این زمان «اتحادیه مسلمانان هند» به رهبری «محمد علی جناح» قدرت گرفته و پیوسته بر نیروی آن افزوده می شود.

با روشن شدن شعله های جنگ جهانی دوم و درگیری انگلستان در جنگ، گروهی از رهبران تند روی کنگره در نظر دارند با بهره برداری از درگیری انگلستان در جنگ دست به مبارزه نهایی برای دستیابی به استقلال کامل بزنند. دولت امپراتوری می گوید اگر هند در کوشش های جنگی همکاری کند در پایان جنگ به آن کشور استقلال کامل خواهد بخشید. گاندی با رهبران تند روی کنگره دست به مخالفت می زند. وی می گوید دوران جنگ است و این

شیوه جوانمردی نسبت که ما به انگلسان زخمی از پشت خنجر بزنیم. این رهبر مذهبی - اخلاقی هند بارها و بارها گفته است که دین، مذهب، ملیت و در پایان تمام ارزش های زندگی را فدای حقیقت خواهد کرد. وی بارها یادآور شده است که براساس باورهای خود و به ویژه «ساتیا گراها» حتی «آزادی» را در راه «حقیقت» فدا خواهد کرد. او در پایان کار و در عمل در راه حقیقت «جان» می دهد. از نظر گاندی «حقیقت» این است که بریتانیا زخمی است و ارزش هایی چون محبت، مهربانی، گذشت، خویشن داری و از خودگذشتگی اجازه نمی دهند به کسی که زخمی شده ضربه ای وارد شود. گاندی می گوید مردم هند باید همچنان به مبارزه خود با بریتانیا ادامه بدهند. اما نباید به توانایی های جنگی آن آسیبی برسانند. این مرد آرام، بی آزار که قلبی سرشار از مهربانی و گذشت در سینه اش می تپد از نظر سیاسی آنچنان خام اندیش و ناپخته است که دونا مه برای هیتلر می فرستد و انتظار دارد او به جنگ پایان دهد. نامه هایش بی جواب می ماند. گاندی چنین می اندیشد که با سیاست بی آزاری و از راه مهربانی قلب هیتلر نرم می شود. در نخستین سال های جنگ، در هند بیشتر از سیاست عدم همکاری با دولت و شیوه بی آزاری بهره برداری می شود. اما عدم همکاری در سطح چندان گسترده ای نیست. رهبران استقلال طلب هند که بریتانیای کبیر را بهتر از گاندی می شناسند پیوسته بر شدت مبارزه های خود می افزایند - نهرو بازداشت و به چهار سال زندان محکوم می شود. بیش از ۲۰،۰۰۰ از هواداران کنگره هند به زندان می افتند. گروهی از اعضای کنگره از دست زدن به شورش های بزرگ در سراسر هند هواداری می کنند. گاندی همچنان بر نظریه عدم همکاری و مبارزه بدون خشونت پا می فشارد، دولت انگلیس در پدید آوردن دو دستگی و شکاف در میان رهبران هند پیروز شده است. از سوی دیگر پیوسته بر قدرت «اتحادیه مسلمانان هند» افزوده می شود و آوازه رهبر آن محمد علی جناح بالا می گیرد.

«شیربرینا» صحنه نمایش را برای کشمکش هندوها با مسلمانان آماده کرده است. در تابستان سال ۱۹۴۲ طرح مشهور به «هند را ترک کنید» از سوی گاندی اعلام می شود براساس این طرح انگلیسی ها باید با نظم و ترتیب از هند بیرون روند و در پایان هند به صورت کشوری یک پارچه به استقلال کامل دست یابد. اما ارتش انگلستان می تواند در هند باقی بماند. گاندی و برخی از رهبران هند نگران پیدایش هرج و مرج بزرگ در صورت ترک ناگهانی و کامل انگلیسی ها هستند. در همین زمان کنگره ملی هند برنامه بیرون رفتن انگلیس ها را از کشور تصویب می کند. گاندی می گوید یا مرگ یا آزادی هند. مدتی نمی گذرد که گاندی و بسیاری از رهبران کنگره بازداشت و زندانی می شوند. برخلاف سفارش های بسیار گاندی برخی از رهبران تند روی سیاسی، مردم را به شورش و خشونت فرا می خوانند، در بسیاری از شهرهای هند شورش های خونین و برخوردهای پرازکشتار روی می دهند. بسیاری از مراکز انگلیسی ها به آتش کشیده می شوند. در اداره های دولتی خرابکاری می شود. هرج و مرج گسترش می یابد و اختیار رهبری و آرام سازی شورش ها از دست گاندی بیرون می رود. در زمستان ۱۹۴۳ گاندی می گوید بیست و یک روز روزه خواهد گرفت. آنها که گاندی را می شناسند مرگش را پیش بینی می کنند. گاندی می گوید چون ملت هند را به خاطر نافرمانی هایش نمی تواند به مجازات برساند باید برش درد و رنج و در پایان مرگ می خواهد خود را به جای آنان تنیه کند. گاندی به سختی بیمار می شود اما در پایان این روزه دراز مدت نمی میرد. در زمستان سال بعد همسرش «کاستوریا» پس از بیماری سخت می میرد. گاندی براساس باورهای مذهبی خود از تزریق «پنی سیلین» به او جلوگیری می کند دارویی که شاید نجاتش می داد. زندگی مشترک شصت ساله گاندی با همسرش پایان می یابد.

گاندی به سختی بیمار می شود و بسیاری مرگش را نزدیک می دانند. از

بیماری مالاریا رنج می برد و به اسهال سختی پس از پایان روزه دچار شده است. بیماری های کشنده و فشار مردم سبب می شوند تا از زندان آزادش کنند. گاندی برای آخرین بار از زندان آزاد می شود.

آغاز جاودانگی

از این دوران به بعد است که گاندی با محمد علی جناح کنار می آید و به او نزدیک می شود. مسلمانان هند که بیست و پنج درصد جمعیت سراسر هندند به رهبری این مرد قدرت بسیار به دست آورده اند. کوشش های سیاسی مسلمانان هند گسترش بسیار یافته و رهبر آنان از نظر تجزیه هند هواداری می کند. «جناح» می گوید مسلمانان هند باید کشور و دولت جداگانه ای داشته باشند و این کشور مستقل را «پاکستان» می نامد. از گذشته های بسیار دور هم هدف انگلستان تجزیه هند به دو کشور هند و مسلمان بوده است.

در تابستان ۱۹۴۵ برخورد هندوها با مسلمانان بالا می گیرد. در بسیاری از استان های هند مسلمانان به دست هندوها و هندوها به دست مسلمانان کشته می شوند. در پاییز همین سال این کشتارهای هراسناک به جنگ داخلی تبدیل می شوند. گاندی با بی باکی باور نکردنی به خطرناک ترین جاهایی که کشتارها در آن صورت می گیرند می رود و تا حدودی سبب آرامش می شود. در زمستان سال ۱۹۴۷ گاندی پیشنهاد می کند هند مستقل به صورت یک کشور باقی بماند اما رهبر هند آزاد «محمد علی جناح» رهبر مسلمانان هند باشد، رهبران سیاسی هند و از جمله نهرو از این پیشنهاد بهت زده می شوند و به سختی به مخالفت می پردازند. گاندی پیشنهادش را پس می گیرد.

در روز ۱۵ آگست ۱۹۴۷ استقلال شبه قاره هند به طور رسمی اعلام می شود. دو کشور هند و پاکستان (پاکستان شرقی و پاکستان غربی) پدید می آیند. در روز اعلام استقلال، گاندی و یکی از رهبران مسلمانان به نام

«شهروردی» درحانه ای در کلکته «روز برادری هندو و مسلمان» را اعلام می‌کنند. این برادری در غروب همان روز پایان می‌یابد. با جدایی هندو پاکستان، هندوها از سرزمین‌های مسلمان‌نشین می‌گریزند و مسلمانان از شهرهای هندونشین پا به فرار می‌گذارند. برخوردهای بسیار و خونبار بین مسلمانان با هندوها پدید می‌آیند و ده‌ها هزار تن کشته می‌شوند. بیش از دوازده میلیون نفر مسلمان و هندو جا به جا می‌شوند. در طول مدت شش ماه نزدیک به یک میلیون نفر در اثر برخوردهای مذهبی و درجریان این کوچ بزرگ جانشان را از دست می‌دهند، هر بار که آشوبی بزرگ روی می‌دهد گاندی خود را به کانون کشتارها می‌رساند و آرامش نسبی برقرار می‌شود. در تابستان ۱۹۴۷ که این کشتارها در کلکته به اوج خود رسیده‌اند گاندی در این شهر دست به «روزه مرگ» می‌زند. مسلمانان شهر می‌دانند که اگر درجریان این روزه گاندی بمیرد حتی یک نفر از آنان زنده نخواهد ماند. هندوها نیز می‌دانند در صورت مرگ رهبر هند تمام مردم هند آنان را مسئول مردن گاندی به شمار خواهند آورد. در چهارمین روز روزه داری گاندی شورش‌ها آرام می‌شوند و مردم دست از کشتار یکدیگر برمی‌دارند. با آغاز سال ۱۹۴۸ بار دیگر کشتار مسلمان و هندو به دست یکدیگر این بار در دهلی بالا می‌گیرد. گاندی «روزه مرگ» می‌گیرد. در پنجمین روز مسلمانان و هندوها به زانو در می‌آیند و از ترس مرگ رهبر گرسنه هند آرام می‌شوند. بسیاری از هندوهای سرسخت در دین و مذهب، گاندی را مسئول تجزیه هند و پیدایش یک کشور مسلمان می‌دانند. یکی از این هندوهای تند روز در روز ۳۰ ژانویه ۱۹۴۸ با هفت تیری که همراه آورده با گاندی فاصله چندانی ندارد. گاندی از میان جمعیتی که برای نیایش شامگاهی آمده‌اند در حرکت است. جوانی که ناشر یک مجله هفتگی است اما به جای قلم به هفت تیر مجهز است به گاندی نزدیک می‌شود. سه تیر در شکم و سه پیر مرد ناتوان و ۷۸ ساله خالی می‌

کند. گاندی نام خدا را بر زبان می آورد و جان می سپارد. نهرو رهبر سیاسی در مرگ «روح بزرگ» و «قهرمان مردم» چنین می گوید: «دوستان و یاران نور از زندگی ما بیرون رفته، همه جا غرق تاریکی است. نمی دانم چه بگویم و چگونه بگویم، رهبر دوست داشتی ما «بابای ما»، پدر ملت دیگر در میان ما نیست.....»

کتاب های مورد استفاده:

- * سرگذشت من، مهاتما گاندی، ترجمه م. برزین، انتشارات بهجت، ۱۳۵۴.
- * گاندی، ج. وودکاک، ترجمه م. تفضلی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳.
- * مهاتما گاندی، رومن رولان، ترجمه م. قاضی، انتشارات روزبهان، ۱۳۴۵.

***GANDHI, AN AUTOBIOGRAPHY, M.K. GANDHI,
BEACON PRESS, 1957.**

*** THE LIFE OF M. GANDHI, L. FISCHER,
H. & R., 1950**

**GANDHI, A PICTORIAL BIOGRAPHY, G.
COLD, NEWMARKET PRESS, 1982.**

*** FREEDOM AT MIDNIGHT, L. COLLINS,
S. & SCHUSTER, 1975**

**PORTRAITS OF POWER, G.M.BROWN,
TIMES BOOKS, 1979**

*** PORTRAITS OF POWER, S. AYLING, B.
& NOBLE, 1963**

کتاب‌هایی برای مردم



مترجم و نویسنده:
دکتر احمد ایرانی

۱. سخنانی برای اندیشیدن: شامل بیش از ۱۰۰۰ گفته کوتاه درباره آزادی، دموکراسی، دین، دیکتاتوری، تاریخ، نویسندگی و... ۹۶ صفحه، ۴ دلار.
۲. مبارزات دکتر مصدق: سرگذشت دکتر مصدق و شرح مبارزات او در مجلس شورای ملی، خدمات در دوران نخت وزیری، نظرها درباره حزب توده، دفاعیات در دادگاه، ۱۲۰ صفحه، ۴ دلار.
۳. درباره دین: دین چگونه پیدا شد؟ نظرهای علمی درباره دین، آیا دین آسمانی است؟ رابطه علم و دین چیست؟ دلیل مخالفت روحانیان با علم، جدایی حکومت و دین. ۱۲۴ صفحه، ۴ دلار.
۴. آگاهیهای جنسی: آگاهی جنسی چیست؟ فرهنگ ایران و موضوع جنسیت، شخصیت جنسی چیست؟ روش جلوگیری از آبستنی، آشنایی با دوران بلوغ، بیماریهای جنسی. ۱۲۰ صفحه، ۵ دلار.
۵. نبرد دین با علم: نویسنده: برتراند راسل، تاریخچه برخوردهای بین دانشمندان و روحانیان، پیروزیهای علم و شکست های دین، ۱۸۶ صفحه، ۶ دلار.
۶. پیام فلسفی خیام: نظر خیام درباره خدا، وحی و قیامت چیست؟ خیام درباره جهان هستی و انسان چه نظرهایی دارد؟ ۴۲ صفحه، یک دلار.
۷. شش انسان مبارز: سرگذشت کوتاه و نظرهای سارتر، راسل، مارکس، ولتر، لنین و گاندی. ۱۸۳ صفحه ۴ دلار.
۸. انقلاب مردم ایران: گزارشی مستند از دلایل انقلاب بهمن ۱۳۵۷، دلیل پیروزی انقلاب مردم ایران، چگونگی ناکام شدن خواستهای انقلابی مردم. ۶۵ صفحه، یک دلار.
۹. آشنایی با هفت کتاب: معرفی کتاب‌های: ترانه های خیام، دیوان فرخی یزدی، اسلام شناسی، بازشناسی قرآن، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی و... ۷۲ صفحه، یک دلار.
۱۰. فیلسوف کوبنده دین: زندگی نامه ولتر و شرح مبارزات او علیه دیکتاتوری، دین و مذهب. ۳۲ صفحه، یک دلار.
۱۱. فلسفه‌رهایی بخش: آشنایی با فلسفه اومانیسم: فلسفه آزادی، دموکراسی، کوبنده خرافات دین و مذهب و هوادار جدایی حکومت و دین. ۳۶ صفحه، یک دلار.

www.KetabFarsi.com